

خلاقیت

در فضای آموزشی محدود



مریم شهر آبادی

کارشناس آموزش ابتدایی



مدرسه‌ی دخترانه پسرانه‌ی «نصر» در روستای تنگ‌خوش، واقع در بخش آبدان در جنوب استان بوشهر و نزدیک بندر دیر، یکی از بزرگ‌ترین بندرهای صیادی کشور، قرار دارد. آقای غلامرضا خیاط با مدرک کارشناسی ارشد رشته‌ی مدیریت آموزشی و ۲۵ سال سابقه‌ی تدریس در مدرسه‌های چند پایه، دوازده سال است که به‌تنهایی مدیر آموزش‌گار این مدرسه است. از نظر ایشان کار با بچه‌ها سختی‌هایی دارد؛ اما شیرین و جذاب و در عین حال آموزنده است. وی با بچه‌ها رابطه‌ای دوسویه دارد؛ یاد می‌گیرد و یاد می‌دهد. بیشترین دغدغه‌اش انتقال مفاهیم به فراگیرندگان به ساده‌ترین شکل است. این معلم با سابقه معتقد است دانش‌آموزان باید درس را در مدرسه یاد بگیرند. به همین دلیل است که خود او از خلاقیت و نوآوری در امر آموزش استفاده می‌کند و دو طرح آموزشی «دهکده‌ی دانایی» و «آموزش بر گستره‌ی فرش» را در این مدرسه طراحی و اجرا کرده است. مدرسه سه اتاق دارد که یک اتاق هم‌زمان کلاس درس و دفتر مدرسه است و دو اتاق دیگر یکی «اتاق پویا» و دیگری «کتابخانه‌ی مدرسه» به نام شهید محمد اندرخور است. غلامرضا خیاط بر این باور است که در محدودترین نظام‌ها و فضاهای آموزشی نیز جایی برای خلاقیت وجود دارد. در ادامه، گفت‌وگوی ما با ایشان از نظر تان می‌گذرد:

■ برای شروع گفت‌وگو، لطفاً در مورد اتاق پویا و طرح‌های آموزشی‌ای که در مدرسه اجرا کرده‌اید، توضیحات مختصری بفرمایید؟

باورم این است که دستورالعمل‌ها کلان‌نگرند و می‌شود با دخل و تصرف خلاقانه آن‌ها را بومی و اجرایی کرد. طرح آموزشی «دهکده‌ی دانایی» مجموعه خلاقیت‌ها، ابتکارات، فعالیت‌ها و دستاوردهای آموزشی‌ای است که خودم از بدو ورودم به مدرسه، در سال تحصیلی ۱۳۸۹، برای انتقال مفاهیم درسی به دانش‌آموزان طراحی و اجرا کرده‌ام. در این طرح برخی از درس‌ها مثل ریاضی، فارسی، علوم تجربی، املا و... به‌وسیله‌ی بازی و سرگرمی آموزش داده می‌شود.

طرح آموزشی «بر گستره‌ی فرش» نیز در سال ۱۳۹۲ طراحی و اجرا شد. در این طرح به‌دلیل کوچک بودن فضای کلاس و خاکی بودن حیاط مدرسه تکه موکتی را در کلاس یا حیاط پهن



آموزگار خلاق



می‌کردم و دانش‌آموزان کاغذ، ماژیک و دیگر وسایلشان را روی آن موکت می‌گذاشتند و درس‌هایشان را آموزش می‌دیدند یا دوره می‌کردند. بسیاری از ایده‌ها روی همین موکت به دانش‌آموزان منتقل شده است. تاکنون سعی کرده‌ام، هر سه سال یک بار، یک طرح آموزشی را با توجه به وضعیت موجود در مدرسه برای دانش‌آموزان طراحی و اجرا کنم.

«اتاق پویا» هم تلفیقی است از تربیت‌بدنی، بازی، سرگرمی و آموزش؛ موضوعاتی که همواره دغدغه‌ی من بوده‌اند. این اتاق پر از ایده‌ها و ابتکارات متعدد برای پایه‌های گوناگون است؛ فعالیت‌هایی مثل انواع دیکته‌های الحاقی، الصاقی، ایماژی و تلفیقی (هنر و دیکته)، چاپ تصویرهای کالبدشناسی (آناتومی) روی تی‌شرت، جورچین ساعت آموزشی، دارت آموزشی درس‌های متعدد، لوح فشرده‌ی درس ریاضی، آموزش جمع و تفریق با ماشین بازی (تلفیقی از درس‌های ریاضی پایه‌ی اول و مطالعات اجتماعی پایه‌ی پنجم)، آموزش مفاهیمی نظیر صادرات، واردات، بازرگانی، سرمایه‌گذاری، فروش، کارآفرینی به صورت ابتدایی و ساده ویژه‌ی دانش‌آموزان پایه‌های اول تا ششم ابتدایی و آموزش مهارت‌های زندگی مانند آموزش خیاطی و نجاری توسط هنرآموز رشته‌های مذکور، چاپ تصویرهای ساختمان گوش و چشم روی پیش‌بند. در اتاق پویا تصویر نویسندگان، شعرا و مترجمان ادبیات کودک و نوجوان ایران مثل عباس یمینی شریف و افسانه شعبان‌نژاد نصب شده است. در سوی دیگر دیوار نیز تصویر نویسندگان، شاعران و مترجمان بوشهری با نام آثارشان آمده است.

■ ایده‌ی این نوع آموزش از کجا نشئت گرفته است؟

دقیق به یاد نمی‌آورم که این ایده چگونه به ذهنم آمده است؛ اما آنچه مسلم است این طرح‌ها همواره از سه عنصر خلاقیت، اشتیاق و کنجکاوی نشئت گرفته‌اند. همواره بر این باور بوده‌ام که با متن مکتوب می‌شود برخوردی خلاقانه داشت و به روشی ساده و فهم‌پذیر به دانش‌آموزان ارائه داد. من از محیط اطرافم بسیار می‌آموزم. همواره به دنبال یادگیری و پیشرفت خود و دانش‌آموزانم بوده و هستم. به همین دلیل با افراد متعدد که در زمینه‌ی تخصص دارند، ارتباط برقرار می‌کنم. البته ناگفته نماند علم به موضوع، عقلانیت و خردگرایی ملزومات کارم هستند. گاهی ایده‌ها در برخوردهای

غیرمنتظره شکل می‌گیرند. در واقع این ایده‌ها از خود مردم و برای مردم بر می‌خیزند. بسیاری از ایده‌ها هم از کتاب‌ها، مشاهده‌ی فیلم و... الگوبرداری و ایده‌پردازی می‌شوند.

■ چه شد که برای مدرسه کتابخانه‌ی مجزایی در نظر گرفتید؟

در سال ۱۳۹۶، با آغاز سال تحصیلی، دو هفته‌ی اول مهر به یادآوری درس‌های سال قبل اختصاص یافت. هفته‌ی سوم مهر از دانش‌آموزان پایه‌ی سوم و پنجم خواستم اولین درس فارسی را روخوانی کنند. روخوانی ساده و روان صورت نگرفت. فکرم به سمت همکاران شاغل در مدرسه‌های دوزبانه رفت که با چه مشکلات و مسائل عدیده‌ی آموزشی‌ای روبه‌رو هستند، به‌ویژه در تدریس فارسی. به‌نظر رسید راه تقویت روان‌خوانی درس فارسی استفاده از متن‌ها یا کتاب‌های غیردرسی است. تعدادی مجلات رشد نوآموز و دانش‌آموز از بستگان و دوستان امانت گرفتم و بین دانش‌آموزان توزیع کردم. خودم هم در گوشه‌های ایستادم و نگاه کردم. بچه‌ها با شوق به تصویرها نگاه می‌کردند. دانش‌آموزانی که در روان‌خوانی قوی‌تر از بقیه بودند به دیگران کمک می‌کردند. با خواندن بخش‌های طنز مجلات رشد، شلیک خنده‌ی آنان به هوا برمی‌خاست. خیلی خوش حال شدم. انگار تمام عالم را صاحب شده‌ام. همان لحظه طرح ایجاد کتابخانه به ذهنم خطور کرد که بچه‌ها را به عضویت کتابخانه درآورم. ابتدا با ۷ جلد کتاب، به تعداد شاگردان، کار کتابخانه را آغاز کردم و اکنون حدود دو هزار جلد کتاب و مجله داریم.

■ غیر از تدریس در آموزش و پرورش، فعالیت دیگری نیز دارید؟

تسهیلگر کتاب کودک و نوجوان در مدرسه‌های ابتدایی و متوسطه‌ی اول هستم. در این مورد به مدرسه‌ها مراجعه و کتاب‌های خوب را به دانش‌آموزان معرفی می‌کنم و چگونگی انتخاب کردن کتاب خوب و خواندن آن را آموزش می‌دهم. همچنین مدرس کارگاه‌های آموزش خلاقیت ویژه‌ی دانش‌جومعلم‌ان و مدرس درس کارورزی معلمان دانشگاه فرهنگیان استان بوشهر هستم.

■ چه برنامه‌ای برای آینده دارید؟

از ابزار و بیان اهدافم برای آینده معذورم. مولانا می‌فرماید: خانه‌ی اسرار تو چون دل شود/ آن مراد زودتر حاصل شود گفت پیغامبر که هر که سر نهفت/ زود گردد با مراد خویش جفت دانه چون اندر زمین پنهان شود/ سِر او سرسبزی بستان شود

■ اگر خاطره‌ای از زمان تدریستان دارید بفرمایید؟

روزی در بوشهر همکار فرهنگی‌ام را دیدم که به قول بوشهری‌ها خلبوس (پیریشان حال) بود. گفتم: چتن عامو؟ ری‌مدار نیسی! گفت: دَس ری دلم نیل (نزار)، قرار بیده سی بچم (بسر) سَمتی بدن، گفتن برورزومه بیار، نمی‌فهمم رزومه یعنی چه؟ این خاطره باعث شد به دانش‌آموزانم نوشتن کارنامه (رزومه) را یاد بدهم. مردم منبع الهام خیلی خوبی برای آموختن هستند.